

۷

درباره نیاز نوجوان‌ها به خلق قهرمان‌های ایرانی در آثار فرهنگی - هنری

## در جست‌وجوی ابرقهرمان

طرح: نوجوانه



ازبی ادبان



تیم بعد کار خودش را آغاز کرد



کنگره باسوات‌ها



منو درگیر خودت کن



گپ کهکشانی

نکنند؛ ولی مساله این است که ما برای زندگی نوجوان‌ها چقدر الگو درست کرده ایم، وگرنه من که می‌گویم زور اسطوره‌های خودمان، قهرمان‌های خودمان بیشتر است، فقط کاش بتوانیم آنها را درست به مخاطب بشناسانیم. مهدی فردای آن روز داشت عکس حسن یزدانی را می‌کشید. او هم برایش جذابیت خودش را داشت. من اما سعی کردم ماجرای پهلوانی تختی و پوریای ولی را هم برایش بگویم. او دارد به مرز نوجوانی می‌رسد و من باید خودم را بیشتر از قبل برای پیدا کردن زبان مشترک با او آماده کنم.

بهتر است الگو داشته باشی. از کسانی که راه زندگی را به نظرت بهتر از بقیه طی کردند. البته نباید کوچک فکر کرد. باید الگویت بیارزد به اینکه بخواهی مسیرش را طی کنی. ادامه آن چشم انداختن روی نقاشی پسر مهدی این شکلی بود که دیدم دارد تصویر بن تن را می‌کشد. با خودم فکر کردم دیدم انصافا چهره این کاراکتر و برخی دیگر از شخصیت‌های کارتون‌های طرف آبی برای این نسل جذاب تر است از آنچه ما برایشان رو کرده ایم. بعد الکی الکی نگران می‌شویم که نکنند از اخلاق و روایات آن‌ها هم الگو بگیرند. نه اینکه اثر

روی تصویر می‌کشی؟ گفت: می‌خوام دقیقا مثل خودش بشه. وقتی جلوی چشمم باشه بهتر میتونم همون شکلی بکشمش. راست می‌گوید برای هر کاری داشتن الگو خیلی کار را ساده تر می‌کنه. مخصوصا اگر ابتدای راه باشی. اساسا در زمینه‌های مختلف هنری خیلی‌ها توصیه می‌کنند که ابتدای کار بد نیست از کار بزرگان ان حوزه، الگو بگیرید. مثل همین کاری که پسر من برای کشیدن نقاشی انجام می‌داد. توی زندگی هم همین شکل است. وقتی داری ابتدای راه را می‌روی. یعنی همین نوجوانی،

دارم به اشتباه شبیه تو می‌شوم

حسین شکیب راد  
دبیر «نوجوانه»



نشسته بود یک گوشه داشت نقاشی می‌کشید. مهدی پسر ده ساله ام را می‌گویم. یک تصویر جلوی رویش بود و سعی می‌کرد درست شبیه آن را روی کاغذ ترسیم کند. از دور نگاهش می‌کردم. پرسیدم چرا از